

## «پژوهشِ موردی» در تاریخ ابزاری میان‌رشته‌ای برای تفسیر جامعه‌شناختی



جلال فرزانه دهکردی

### چکیده

این مقاله بر اساس همپوشانی پارادایمی تاریخ و جامعه‌شناسی به خصوص در شیوه تحقیق و نظریه‌پردازی آنها نوشته شده است. میان‌رشته‌گی فضایی در گستره همپوشانی رشته‌های گوناگون و در مرز غیرشفاف آنها است. رشته‌ها را نباید با این بهانه که صرفاً موضوعاتی به ظاهر مشترک دارند به یکدیگر پیوند داد؛ بلکه همپوشانی مفهومی آنها باید با در نظر گرفتن پارادایم‌های مشترک که در هر کدام کاربردی کلیدی دارند صورت گیرد. بخش بزرگی از تاریخ، مطالعه جامعه‌شناختی عصری خاص است و می‌توان این مطالعه را جامعه‌شناسی تاریخی نامید. از دیگر سو، روش پژوهش موردی از جمله روش‌های تحقیق است که در علوم اجتماعی نیز کاربرد دارد. این مقاله با اصالت دادن به پارادایم مشترکی که در بعضی از مکاتب علوم انسانی برای شناخت تاریخ اجتماعی یک عصر وجود دارد و با در نظر گرفتن وجود این پارادایم در روش تحقیق موردی، روش تحقیق موردی را برای استفاده در جامعه‌شناسی تاریخی معرفی و تبیین می‌کند. این پژوهش در نهایت این فرضیه را که روش تحقیق موردی روشی بایسته در حوزه میان‌رشته‌ای جامعه‌شناسی تاریخی است، اثبات می‌کند. همچنین، با در نظر

واژه‌های کلیدی: میان‌رشته‌گی، روش پژوهش موردی، پارادایم، تاریخ‌نگاری، تفسیر انبوه، تاریخ‌گفت

آوردن مرزهای مشترکی که میان اندیشه‌های مرتبط با تاریخ‌نگاری اجتماعی وجود دارد، باید‌ها و نیاید‌های فرآیند کاربست این روش تحقیق میان رشته‌ای با در نظر گرفتن پارادایمی مشترک معرفی می‌شود.

## ۱- مقدمه:

رشته‌های گوناگون آموزشی و پژوهشی مجموعه‌ای از شناخت‌شناسی‌ها و روش‌شناسی‌هایی هستند که خواسته یا ناخواسته گفتمان‌هایی را ایجاد کرده و به کار بسته‌اند و گاهی نیز این گفتمان‌ها را بر پیکره دانش بشری تحمیل کرده‌اند. این رشته‌ها به مرور زمان تقویت شده‌اند و گستره‌های گوناگون دانش را مرزبندی کرده‌اند.<sup>۱</sup> در هر حال، این مرزبندی‌ها چندان شفاف نیستند. در واقع، میان‌رشته‌گی را می‌توان فضای ایجاد شده در مرز غیرشفاف رشته‌های گوناگون و پیوند و گفتگویی دانست که میان رشته‌های مختلف ایجاد می‌شود.<sup>۲</sup> در هر حال، رویکرد میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی و انسانی به این معنی نیست که پژوهشگران و دانشگاهیان مجموعه‌ای از عقاید و افکار نامرتبط را در میان تعدادی از مرزهای موضوعی انتخاب کنند (د. هاچون، ۱۳۸۷، ص ۴۰۰). به همین دلیل است که د. هاچون اگرچه نظریه پست‌مدرن‌ها را درباره رد قواعد سنتی دانشگاهی قبول دارد، بر این باور است که عقاید توماس کوهن و کارل پوپر درباره تغییر گام به گام پارادایم‌ها با روش علمی به عنوان روشی کارآمد، نه خیال‌پورانه، در مطالعات میان‌رشته‌ای کاربردی اصیل و مناسب دارد (همان، صص ۴۰۹-۴۰۸).

در واقع اگر بپذیریم پارادایم‌های جدید از آن جهت پذیرفته می‌شوند که در برخورد با پدیده‌های خلاف قاعده توان و قابلیت بیشتری دارند (سجویک و اندرو، ۱۳۸۷، ص ۷۴)، آنگاه فعالیت‌های میان‌رشته‌ای باید با در نظر گرفتن هم‌پوشانی‌های رشته‌های مختلف به تعریف پارادایمی جدید در علوم اجتماعی یاری برسانند. این یک حقیقت است که پارادایم به عنوان الگویی که با روشی علمی دائماً در حال تغییر است مرزهای دانش را جا به جا می‌کند و پژوهشگران نیز در نتیجه فعالیت‌های میان‌رشته‌ای و در پاسخ به یک نیاز اجتماعی رشته‌های جدید را پدید می‌آورند (رولاند، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

با توجه به خلاصه بالا، موضوع و فرضیه مقاله حاضر تشریح و توجیه می‌گردد. این مقاله ارتباط میان چند رشته را که با یکدیگر مرز مشترک دارند جهت تشریح فواید و باید و نیاید‌های کاربست میان‌رشته‌ای در روش پژوهش تاریخی بررسی می‌کند. روش مورد نظر، پژوهش موردی است که در علوم اجتماعی کاربردی بایسته دارد و گاهی ساده‌انگارانه به هر انتخابی اطلاق می‌گردد که با استفاده از یک چارچوب نظری<sup>۳</sup> مشخص به کار بسته می‌شود. آنچه در پی می‌آید تشریحی نظری است از کاربست روش تحقیق پژوهش موردی در علم تاریخ. با این حال، این مقاله در پی تدریس و توضیح چگونگی

<sup>۱</sup> Lattuca, 2001, p.2

<sup>۲</sup> Moran, 2002, p.15

<sup>۳</sup> theoretical framework

کاربست این روش تحقیق بر روی موردی تاریخی نیست؛ بلکه سعی دارد این فرضیه را تبیین و اثبات کند که پژوهش موردی، به واسطه داشتن ارتباط میان رشته‌ای با دیگر رویکردهای جامعه‌شناختی و مردم‌شناسانه، می‌تواند در تحلیل اتفاقات تاریخی مختلف مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، این مقاله به محدودیت‌های روش پژوهش موردی جهت جلوگیری از فرافکنی نتایج یک پژوهش موردی در علم تاریخ نیز می‌پردازد. و بدین ترتیب به پژوهشگر هشدار می‌دهد که روایی<sup>۴</sup> فرضی پژوهش موردی خود را با احتیاط و با در نظر آوردن شرایط گفتمانی خاص به موارد دیگر تعمیم دهد. در هر حال شاخه‌های گوناگون علمی ذکر شده در بخش تشریحی این مقاله طبق آنچه در بخش نخست این مقدمه آمدند از نظر نویسنده این مقاله بر معیار پارادایم‌هایی مشترک در همه این شاخه‌های علمی-پژوهشی انتخاب شده‌اند و دارای ارزش و وثوق مقایسه‌ی میان رشته‌ای هستند.

## ۲- پژوهش موردی و تاریخ؛ پیشینه و تعریف

پژوهش موردی یا موردپژوهی<sup>۵</sup> مطالعه پدیده یا پدیده‌هایی معدود است که در یک زمان و مکان مشخص رخ می‌دهند.<sup>۶</sup> این تعریف، موردپژوهی را پژوهشی معرفی می‌کند که به مطالعه تاریخ یک پدیده می‌پردازد. به عبارت دیگر پژوهش موردی گزارشی درباره‌ی زمان‌مندی و مکان‌مندی یک پدیده است. در همین راستا، گرینگ مورد پژوهشی را «پدیده یا واحدی می‌داند که منحصر به مکانی خاص است و محدوده‌ی زمانی مورد مشاهده و بررسی قرار می‌گیرد»<sup>۷</sup>. در نتیجه، یک مورد پژوهشی<sup>۸</sup> با یک نمونه آزمایشگاهی<sup>۹</sup> از این نظر متفاوت است که مورد پژوهشی به تنهایی و در شرایط منحصر به فرد مربوط به خود آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد، در حالیکه نمونه‌های آزمایشگاهی به صورت کلی در شرایط یکسان با یکدیگر و با محاسبه آماری مطالعه می‌شوند.

تأکید سیمونز بر پژوهش موردی به عنوان مطالعه یک پدیده زمان‌مند و مکان‌مند بر این نکته دلالت می‌کند که در این نوع پژوهش یک مورد در بافت تاریخی اجتماعی آن مطالعه می‌شود. در واقع، گزارش‌های تهیه شده در فرآیند پژوهش موردی یا همان تاریخ‌نگاری‌هایی که از یک مورد پژوهشی صورت گرفته است به پژوهشگر کمک می‌کند تا گزارش‌هایی دست اول از این پدیده مکان‌مند و زمان‌مند در بافت تاریخی‌اش به دست آورد. همین جاست که دوگانه تاریخچه‌ها / تاریخ، رخ می‌نماید. تاریخچه‌ها در واقع گزارش‌هایی محلی و منطقه‌ای تهیه شده از بافت‌های اجتماعی هستند و تا حد

<sup>۴</sup> validity (internal)

<sup>۵</sup> case study research

<sup>۶</sup> Simons, 2014, p.457

<sup>۷</sup> Gerring, 2007, p.40

<sup>۸</sup> case

<sup>۹</sup> sample



زیادی مکان‌مندی و زمان‌مندی در آنها لحاظ شده است. در عوض، تاریخ بر گزارش‌هایی دلالت می‌کند که متأثر از کلان‌روایت‌هایی از پیش‌تعریف شده هستند؛ کلان‌روایت‌هایی که عموماً تجربیات کنشگران اجتماعی را در چارچوب پیکره‌های از پیش تعیین شده دانش، روایت می‌کنند.<sup>۱۰</sup>

### ۳- معرفی و لزوم پارادایم مشترک

از آنچه در بخش پیشین مطرح شد لزوم رهایی از چارچوب‌های از پیش تعیین شده در تاریخ اثبات می‌شود. از این روی باید آن مجموعه از دیدگاه‌ها، روش‌ها و مکاتب جامعه‌شناختی مرتبط با علم تاریخ را بررسی کنیم که این پارادایم مشترک را دارا باشند که به جای متأثر شدن از کلان‌روایت‌های از پیش تعیین شده به بررسی مورد تاریخی در بافتار آن بپردازند. این مکاتب که در بخش بعدی معرفی می‌شوند شکل‌ها، فرآیندها و طرح‌های مختلفی دارند و در فلسفه مرتبط با تاریخ‌نگاری برای ارائه شیوه‌های ارزیابی و پژوهش در شرایط متفاوتی ارائه شده‌اند. اما، همه آنها پارادایم مشترکی دارند. این پارادایم همان مطالعه یک پدیده در بافت تاریخی-اجتماعی آن به عنوان پدیده‌ای زمان‌مند و مکان‌مند و رها از کلان‌روایت‌ها است. مطالعه این دیدگاه‌ها و بررسی هم‌پوشانی آنها با در نظر پارادایم ارائه شده کمک می‌کند که اشتراک آنها را با روش پژوهش موردی درک کنیم و به هنگام به کار بستن این روش از فلسفه و حتی روش‌های آنان استفاده نماییم. مطالعه این روش‌ها و دیدگاه‌ها متضمن فایده اساسی دیگری هم هست: به کار بستن و در نظر گرفتن این دیدگاه‌ها و روش‌ها، روش پژوهش موردی در تاریخ را تبیین می‌کند و به پژوهشگر علم تاریخ می‌آموزد که تنها با در نظر آوردن این روش‌ها و دیدگاه‌ها یک پژوهش موردی تاریخی موثق به دست می‌آید.

### ۴- جستجو و تبیین پارادایم مشترک

#### ۴-۱- جهت‌های تاریخ‌نگاری

همپوشانی‌ای که میان گزارش‌های پژوهش موردی و تاریخچه‌ها وجود دارد، مقایسه‌ای را پیش می‌کشد که مک‌کالا میان «تاریخ از پایین به بالا» و «تاریخ از بالا به پایین» مطرح می‌کند. مک‌کالا «تاریخ از بالا به پایین» را تاریخی می‌داند که متأثر از کلان‌روایت‌ها است و عموماً بر روایت‌هایی بسیار کلی از دگرگونی تاریخی دلالت می‌کند تا به این وسیله زمان حال را در چارچوب گونه‌ای از داستان دنباله‌دار قرار داده و با پیش‌پنداشت‌هایی خاص غایتی خاص را برای کنش تاریخی پیش‌بینی کنند.<sup>۱۱</sup> از نظر مک‌کالا «مشکل تاریخ از بالا به پایین که در چارچوب یک کلان‌روایت غالب نوشته می‌شود این است

<sup>۱۰</sup> L. Huchon, 1989, p.66-67

<sup>۱۱</sup> McCullagh, 2004, 194-195

که چنین تاریخی معمولاً به استثنایها و قرائت‌های بدیل از شواهد مرتبط و واقعیت‌های مربوط به گذشته که می‌توان از شواهد استنباط کرد عنایتی ندارد»<sup>۱۲</sup>. «تاریخ از پایین به بالا» کاملاً متفاوت است. در این نوع تاریخ‌نگاری عملکرد کنشگران تاریخی عموماً توسط خود این کنشگران و یا مشاهدات مستقیم تاریخ‌نگار یا مردم‌شناس منعکس می‌شود و بر روایت مستند پژوهش‌های موردی دلالت می‌کند. از این روی تاریخچه‌ها بر عکس تاریخ کلی‌نگر نشانگر ماهیت دورن‌نگرانه<sup>۱۳</sup> پژوهش‌های موردی هستند. به دیگر سخن، این تجربه زیسته است که کانون توجه «تاریخ از پایین به بالا» قرار می‌گیرد.

#### ۴-۲- تاریخ باوری<sup>۱۴</sup>

تاریخ باوری این اندیشه را که تاریخ حالتی خطی دارد و همواره با الگوهای یکسان، همچون قوانین نیوتونی، پیش می‌رود انکار می‌کند. تاریخ‌باوران اعتقاد دارند زندگی انسان طبیعتی مستقل از تاریخ ندارد و بدین ترتیب شناخت و تجربه‌ی زیستن تنها از طریق تاریخ تعیین می‌گردند و نه از طریق قوانین طبیعی‌ای که سنت روشنگری سنگ‌شان را به سینه می‌زند. از همین روست که از نظر تاریخ-باوران ماهیت شناخت آدمی بر منطبق مطلق طبیعی، چنانکه سنت روشنفکری مدافع آن است، استوار نیست، بلکه در قرارگرفتنی همواره و ناگزیر انسان در تاریخ است که تعیین می‌یابد. تاریخ‌باوری بر این اصل تأکید می‌کند که انسان در شرایط زیست اجتماعی تاریخ خود را می‌سازد. تاریخی بودن انسان از نظر تاریخ‌باوران به این معنی است (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۸۴). به همین دلیل است که اف. آر. انکرسمیت تاریخ باوری را دیدگاهی می‌داند که به واسطه‌ی آن فهم کافی از ذات یک پدیده و ارزیابی آن در تاریخ آن نهفته است و اگر یک تاریخ باور بخواهد «به ذات یک ملت، مردم، سازمان یا حتی یک دیدگاه را دست یابد باید به پیشرفت تاریخی آن توجه کند». بدین ترتیب خصوصیات کلی تاریخ باوری را می‌توان در دو مورد زیر خلاصه کرد:

نخست؛ تاریخ تمامیتی کلی و جهان شمول ندارد و برای شناختن هر آفرینش هنری و با کنش اجتماعی ناگزیریم آن را در بافت تاریخی آن بررسی کنیم،

دوم؛ هر پدیده و یا آفرینشی را باید از درون یعنی بر اساس قصد کنش گر عمل یا پدیدآورنده‌ی اثر بشناسیم، نه بر اساس بعضی قوانین جهان شمول و یا علل بیرونی گمانه زده شده.

در واقع تاریخ باوری را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: «هر پدیده زمان و مکان خاص خود را دارد و بنابراین نمی‌تواند تحت شمول قوانین یا قییم‌های فراتر از مرزهای عصر یا جامعه‌ی خود قرار گیرد.»

<sup>۱۲</sup> Ibid p.98

<sup>۱۳</sup>emic

<sup>۱۴</sup> historicism

(استنفورد، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴). بدین ترتیب تاریخ باوران بر این نکته تأکید می‌کنند که گذشته از زنجیره ای از حقایق عینی تشکیل نگردیده که حقیقت آن را بتوان همچون قوانین علوم طبیعی و نیوتونی کشف کرد و سپس با روشی که در تعمیم قوانین در علوم طبیعی به کار بسته می‌شود با اتصال این حقایق به حقایقی دیگر درباره‌ی یک پدیده‌ی تاریخی به پرده برداری از آن پرداخت و همچون تابلویی از پیش کشیده شده آن را مشاهده کرد.

با نگاهی به موارد بالا می‌توان چنین برداشت کرد که برای شناخت تاریخ هر عصر باید با محیط فرهنگی آن عصر و آنچه در آن دوران خاص اتفاق می‌افتد، آشنا بود. نکته اینجاست که تاریخ-باوران با در نظر گرفتن محیط فرهنگی هر عصر کنش آدمی را در راستای اتحاد حیاتی ای می‌دانند که در هر عصر یا دورانی مشاهده می‌گردد. چنین اتحادی بی شک در همه‌ی جلوه‌های فرهنگی کنش آدمی از ورزش گرفته تا ادبیات جاری است و در واقع گستره‌ی کل فرهنگ را در بر می‌گیرد. از همین روست که تاریخ باوران با پیروی از هگل هر پدیده‌ی تاریخی را تجلی روح زمانه‌ی آن می‌دانند. بدین ترتیب آنچه که مثلاً در تاریخ فرهنگی یک عصر و آفرینه‌های فرهنگی آن دوران مشاهده می‌شود با سامانه‌ی دانایی آن دوران و چگونگی نگاه مردمان آن دوران به جهان پیرامون شان تطبیق دارد. از این روی، برای شناختن چگونگی زندگی مردمانی که در آن دوران خاص می‌زیسته‌اند، نگاه به همه‌ی دستاوردهای فرهنگی شان ما را در شناخت آن روح زمانه‌ی یکدست و متحد و بنابراین، تاریخ آن عصر، یاری می‌رساند.

چنین نگاهی به تاریخ به دو اندیشه‌ی بسیار اساسی منجر می‌شود. نخست اینکه: متون تاریخی هر عصر، بازتاب گاه اندیشه‌ها و ارزش‌های مسلط آن دوران هستند و دوم اینکه: متون ادبی (و در بعدی وسیع‌تر آفرینه‌های فرهنگی و حتی متون تاریخی) هر دوران نیز تاریخ آن عصر و ارزش‌های آن را به نمایش می‌گذارند و برای کشف تاریخ یک عصر باید از آثار فرهنگی به جای مانده از آن دوران رمزگشایی کرد. از این روی، دستاورد تاریخ باوری این است که متون تاریخی و متون ادبی هر دو به نوعی با یکدیگر هم پوشانی دارند و از هر کدام از آنها می‌توان برای رمزگشایی گذشته بهره برد.

#### ۴-۳- تفسیر انبوه

در حوزه تحقیق کیفی، تفسیر انبوه به مطالعه پدیده‌های اجتماعی اشاره می‌کند و از طریق مشاهده، تعریف و تفسیر یک پدیده اجتماعی می‌پردازد. این اصطلاح را برای نخستین بار، کلیفورد گیرتز در حوزه مردم‌شناسی و مطالعه فرهنگی معرفی کرد. از نظر گیرتز فرهنگ را باید بافتی دانست که درون آن فرآیندهای فرهنگی، کنش‌های اجتماعی و رفتارهای انسانی فهم‌پذیر می‌گردد (ادگار و سجویک، ۱۳۸۷، ص ۸۲). گیرتز انسان را موجودی در نظر می‌آورد که در شبکه‌هایی از دلالت‌های اجتماعی که خودش ایجاد کرده است، قرار دارد. او فرهنگ را نیز پدیده‌ای نهادینه در این شبکه‌های دلالتی می‌داند و

اعتقاد دارد «تحلیل فرهنگ، علمی تجربی که در جستجوی قانون‌های کلی و جهانشمول باشد نیست، بلکه رویکردی تفسیری در جستجوی معناست».

به این ترتیب گیرتز معتقد است که فرهنگ را می‌توان با تفسیر معنایی رویه‌هایی که درون یک بافت اجتماعی اتفاق می‌افتند، تفسیر کرد. گیرتز در مقاله «تفسیر فرهنگ‌ها» بر ماهیت نشانه‌شناختی فرهنگ‌ها تأکید می‌کند و بر این عقیده است که فهم سلوک و رفتارهای اجتماعی با مطالعه نشانه‌شناختی آن رفتارها در بافت فرهنگی‌شان امکان‌پذیر می‌گردد. این ملاحظات بافتاری، گیرتز را به سوی مطالعه گفتمانی کنش‌های انسانی با توجه به مفاهیم نشانه‌شناختی فرهنگ هدایت کند. تفسیر انبوه به عنوان یک روش نشانه‌شناختی با روش تحقیق پژوهشی موردی پیوندی تنگاتنگ دارد. پژوهش‌های موردی نیز مانند روش تفسیر انبوه، مورد تحت مطالعه را در بافتار آن و فراتر از بررسی آن پدیده در انزوا واکاوی می‌کنند. درباره ارتباط دوسویه میان تفسیر انبوه و پژوهش موردی داسون می‌نویسد «هدف پژوهش موردی روشن کردن ویژگی‌های خاصی است که مورد تحت پژوهش از آنها برخوردار است. تفسیر انبوه این هدف را با تأکید بر جزئیات، اندیشه‌ها، احساسات، شبکه‌های ارتباطی و معنایی که در زبان گفتار می‌آیند، و یا حتی از طریق ایماها و اشاره‌ها، سکوت و کنایه ابراز می‌شوند، آنها در بافتار خودشان، دست‌یافتنی می‌کند». در اظهار نظری مشابه، گرینگ نیز به گونه‌ای مشابه توانایی پژوهش‌های موردی را در عمومیت بخشیدن به نتایج پژوهش به هنگام تفسیر انبوه پدیده‌ها و تحلیل عمیقی می‌داند که از مطالعه یک پدیده، یا همان مورد، در بافت اجتماعی آن به دست می‌آورد.

### ۳-۴- تاریخ‌نگاری پست‌مدرن؛ کلیت‌زدایی<sup>۱۵</sup> و تاریخ‌گفت<sup>۱۶</sup>

دیدگاهی که «تاریخ از بالا» را مورد انتقاد قرار می‌دهند از سوی اندیشمندان پست‌مدرن هم مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. این نظریه‌پردازان با انتقاد از کلیت‌گرایی بسیاری از تاریخ‌نگاری‌ها و روایت‌های سلطه‌گرایانه بسیاری از تاریخ‌نگاشت‌ها تاریخ‌هایی که گفتمان‌های سلطه‌گر را اصل قرار می‌دهند، نقد کرده‌اند. این نقادی‌ها عموماً با استفاده از نظریه‌پردازی‌های آنان در حوزه روایت‌شناسی انجام گرفته است. در این میان اف. آر. انکرسمیت با ایجاد واژه «تاریخ‌گفت»<sup>۱۷</sup> سعی در روایت‌شناسی گفتمان تاریخی دارد. او تاریخ‌گفت را به عنوان یک ماهیت و گونه زبانشناختی مستقل در کنار دیگر گونه‌های زبانشناختی همچون شعر، رمان، ادعیه و حتی روش‌های اثبات محاسبات و ریاضیات به حساب می‌آورد<sup>۱۸</sup>.

او تاریخ‌گفت را گفتمان تاریخی می‌داند و بر این باور است که تاریخ‌گفت‌ها روش‌هایی هستند برای

<sup>۱۵</sup> de-totalizing

<sup>۱۶</sup> narratio

<sup>۱۷</sup> واژه‌ی تاریخ‌گفت برای نخستین بار در این مقاله به کار برده می‌شود، چراکه معادلی برای آن یافت نشد. البته دلایل ابداع چنین معادلی در جای دیگر مطرح خواهد شد.

<sup>۱۸</sup> Ankersmit, 1983, p.22

نگاه به گذشته. به همین دلیل، تاریخ‌گفت‌ها با چشم‌اندازهای مختلف روایت می‌شوند.<sup>۱۹</sup> «مغایرت تاریخ‌گفت‌ها با یکدیگر به این معنی نیست که یکی غلط و دیگری صحیح است ... هیچ دیدگاه قطعی درباره گذشته وجود ندارد چراکه چشم‌اندازهای متعدد که توسط گونه‌های مختلف تاریخ‌گفت فراهم می‌شوند به ما اجازه می‌دهند به ویژگی‌ها و حواشی‌ای نگاه کنیم که دیدگاه‌های مربوط به گذشته ایجاد می‌کنند»<sup>۲۰</sup>. طبیعی است که مجموعه‌ای از تاریخ‌گفت‌ها با توجه به اینکه ماهیتی گفتمانی دارند دارای قدرت بیشتری هستند و تبدیل به روایت‌هایی برتر می‌شوند. این تاریخ‌گفت‌های مسلط در واقع همان کلان‌روایت‌هایی هستند که در سیطره گفتمان‌های مسلط تاریخ‌گفت‌های دیگر را سرکوب کرده و باعث در محاق رفتن شواهدی می‌شوند که در روایتگری تاریخ‌نگاران حاکم برجسته نمی‌گردند. لزوم کلیت‌زدایی از تاریخ اینجا مشخص می‌شود.

به همین دلیل است که لیندا هاچون در خوانشی پست‌مدرن تاریخ‌نگاری سنتی را کلی‌گرا<sup>۲۱</sup> می‌داند. علت این کلی‌گرایی از نظر او گرفتار آمدن تاریخ‌نگاران این نوع از تاریخ‌نگاری در کلان‌روایت‌هاست که منجر به برجسته ساختن مجموعه‌ای از وقایع و کمرنگ شدن وقایع دیگر می‌گردد.<sup>۲۲</sup> این اعمال قدرت به این اصل بر می‌گردد که به هنگام تاریخ‌نگاری کلی‌نگر همه وقایع باید باز یافت و باز پرداخت شوند تا اتحاد و یکپارچگی تاریخ به رغم همه تناقض‌ها و خرده‌روایت‌های جنبی حفظ گردد.<sup>۲۳</sup>

هدف کلیت‌زدایی از تاریخ انکار کلان‌روایت‌ها نیست. این اندیشه تاریخ‌گفت‌هایی را پیش می‌کشد که نادیده و سرکوب شده باقی مانده و موثق دانسته نشده‌اند. به این ترتیب، زنده کردن، بازتاب دادن و از محاق در آوردن بعضی دیگر از روایت‌های فراموش شده، می‌تواند به باز یافت جنبه‌های دیگری از تاریخ یاری رساند. تاریخ‌نگاری پست‌مدرن، از این نظر، «دارای کثرت، عملکرد آزاد، سیالیت و انتهای باز است که آن را از تاریخ کلیت‌نگر جدا می‌کند»<sup>۲۴</sup>.

#### ۴- پژوهش موردی در تاریخ؛ پارادایم مشترک و نظریه پردازی

چنانکه در پیشینه و تعریف روش پژوهش موردی بیان شد، این روش پژوهش ارتباط مستقیمی با بررسی یک پدیده در بافتار اجتماعی و تاریخی آن دارد. این همان پارادایم مشترکی است که باعث می‌شود همه مکاتب و روش‌های ذکر شده در بالا با یکدیگر هم پوشانی داشته باشند. یک پژوهش موردی، یک پدیده را در بافت اجتماعی آن و با توجه شرایط پیرامونی‌اش بررسی می‌کند.

۱۹ Ibid. p.98

۲۰ Ashcroft, 2001, p.89

۲۱ totalizing

۲۲ L. Hucheeon, 1989, p.63

۲۳ Braudel, 1980, p.63

۲۴ E. Agleton, 1996, p.64



برای مثال، موضوعی مانند عزاداری بر مرگ عزیزان در یک بافت اجتماعی مفهومی به شدت متفاوت نسبت به همین پدیده در فرهنگی دیگر دارد. در روش پژوهش موردی یک پژوهشگر عموماً یک فرضیه را با استفاده از یک تئوری (چارچوب نظری) بر روی یک پدیده آن هم با در نظر گرفتن بافت اجتماعی آن بررسی می‌کند.

نکته اینجاست که در فرآیند پژوهش فرضیه مطرح شده یا اثبات می‌شود یا تعدیل و بهینه می‌گردد. لذا، روش پژوهش موردی در پی تعمیم تحلیلی است نه اثبات آماری<sup>۲۵</sup>. به همین دلیل است که روش پژوهش موردی استعدادی خاص در ایجاد فرضیه‌های جدید دارد<sup>۲۶</sup>. هدف فرضیه‌هایی که در روش پژوهش موردی به کار بسته می‌شوند «فهم عمیق‌تر تعداد محدودی از چند یا یک مورد پژوهشی است و این فرضیه‌ها به دنبال توضیحاتی به زبان غیر آماری هستند»<sup>۲۷</sup>.

در نهایت باید گفت از آنجا که روش پژوهش موردی بیشتر حالتی کیفی دارد و اصولاً از توضیح ژرف و تاریخی پدیده‌ها در بافتار تاریخی‌شان بهره می‌برد، با فرضیه‌های کیفی هماهنگی بیشتری دارد<sup>۲۸</sup>. این نتیجه‌گیری بیانگر آن است که یک پژوهش موردی فرضیه را به همراه خود جاری می‌کند، آن را در بافتار آن پدیده تفسیر ژرف می‌کند و سپس به جای رد و انکار آن نظریه آن را جرح و تعدیل می‌کند. البته نباید فراموش کرد که ارتباط فرضیه‌ی یک پژوهش موردی به پژوهشگر کمک می‌کند به موضوع تحقیق، یا همان مورد، رویکردی علمی داشته باشد. نه اینکه نظریات شخصی خود را درباره یک پدیده تاریخی و اجتماعی بیان کند.

نکته قابل ذکر در اینجا، توجه به راهکارهای تعمیم‌بخش روش مطالعه موردی به شرایط و بافت‌های دیگر است. در واقع، روش مطالعه موردی با نشانه‌شناسی اجتماعی یک مورد پژوهشی و همچنین با تفسیر انبوه آن، این تحلیل‌ها را به سطحی کلان‌تر منتقل می‌کند. گرینگ توانمندی‌های بالقوه مطالعه‌های موردی را مطالعه عمیق یک پدیده و تحلیل کلی‌نگر آن می‌داند<sup>۲۹</sup>. گرینگ، اما، به این موضوع نیز تأکید می‌کند که پژوهش موردی بر بستر پیوند لایه‌های خرد و کلان در رفتار اجتماعی استوار می‌گردد.<sup>۳۰</sup> از این روی، با اینکه این روش در لایه اول تحقیق، به پژوهش درباره موردی خاص می‌پردازد، «هدفش در لایه دوم، تعمیم دادن تئوری به زنجیره بزرگتری از پدیده‌ها (موردها) برای گونه‌های عمومی‌تر، اما، مشابه است»<sup>۳۱</sup>.

<sup>۲۵</sup> Yin, 2003, p.30

<sup>۲۶</sup> Gerring, 2007, pp. 32-49

<sup>۲۷</sup> Castro-Rea, 2010, p.446

<sup>۲۸</sup> Ibid, 446

<sup>۲۹</sup> Gerring, 2007, p.50

<sup>۳۰</sup> Ibid, 1

<sup>۳۱</sup> Ibid, 65

این نوع مطالعه چندلایه‌ای یک پدیده، چنانکه از پیش گفته شد، یکی از جنبه‌های تفسیر انبوه‌گیرتر نیز هست. با اینکه اولین مرحله در تفسیر انبوه «به تصویر کشیدن موجز و عمیق آن چیزی است در چشمان بیننده اتفاق افتاده است»، دومین مرحله توضیحاتی را در بر می‌گیرد که با کاربست مطالعات انجام گرفته بر روی این مطالعه موردی پدیده‌های مشابه را در بافت‌های هم‌تراز و قیاس‌پذیر مورد پژوهش قرار می‌دهد.<sup>۳۲</sup>

### ۵- کاربست مصداقی؛ تاریخ‌گفتِ خواجه ابوالفضل بیهقی

اشاره‌ای به یک مصداق عینی در رویکرد میان‌رشته‌ای روش تحقیق موردی می‌تواند کمک شایانی به کاربست آن در موارد دیگر پژوهشی داشته باشد. به همین دلیل این مصداق عینی را داستان حسنک وزیر و گزارش خواجه ابوالفضل بیهقی قرار می‌دهیم. به این ترتیب مورد پژوهشی ما روایت بیهقی و تعذیب و سخت‌کشی حسنک بر سر دار است. این مورد پژوهشی از آن جهت انتخاب شده که برای خواننده مقاله موردی نسبتاً آشنا و روایتی جامع از یک پدیده شناخته شده یعنی سخت‌کشی در تاریخ فرهنگی ایران است. پارادایم تحقیق نیز همان بررسی یک موضوع (مورد پژوهشی) در بافتار تاریخی-اجتماعی آن است. بدیهی است که کاربست روش تحقیق موردی آن هم با ذکر رشته‌ها و رویکردهای ذکر شده در این نوشتار نیازمند نگارش مقاله‌ای جداگانه است. از همین روی، ملاحظاتی کارآمد و کلی درباره روش تحقیق موردی و همپوشانی آن با دیگر رشته‌های مطرح شده در این مقاله مطرح می‌شوند. ۵-۱- روایت خواجه بیهقی از حسنک نمونه روایتی است از «تاریخ پایین به بالا». یعنی موضوعی تاریخی بدون توجه به کلیت گفتمانی حکومت غزنویان مطرح می‌شود. این روایت در حالتی بیان می‌شود که حسنک اعدام شده بوده و بیهقی نیز به هنگام بازنشستگی و احساس امنیت آن را به تحریر آورده. پس روایت رهای از گستره قدرت و کلان‌روایت‌های حاکم آن زمام به نگارش درآمده است.

۵-۲- از سوی دیگر، به گونه‌ای از تاریخ‌گفت اشاره دارد که وابسته به درونمایه سخت‌کشی در تاریخ ایرانی است. تاریخ‌گفتی که با دیگر روایت‌های سخت‌کشی نظیر بر دار کردن منصور حلاج و سخت‌کشی بابک خرم‌دین و مزدکیان تنه می‌زند. تفاوت اینجاست که داستان حسنک دارای وثوق بسیار است و علاوه بر ارزش ادبی ارزش تاریخی فراوان دارد.

۵-۳- مطالعه این تاریخ‌گفت ظرفیت فراوانی برای تفسیر انبوه دارد. برای تفسیر انبوه این مورد پژوهشی نیز اشاره به بافتارهای سیاسی-اجتماعی آن عصر بسیار یاریگر است. مطالعه باثورت درباره غزنویان و خاندان میکالی که حسنک یکی از آنهاست کمک شایانی به تفسیر انبوه بافتار زیستی حسنک می‌نماید.

<sup>۳۲</sup> Wolff, 2004, p.50

همچنین مطالع فرقه کرامیه که جریان تندرو مذهبی دوران غزنویان و عزیز کرده محمود غزنوی بودند و عملکرد آنها توسط حسنک محدود شده بود، می‌تواند کمک دیگری برای تفسیر انبوه در سطح گفتمان سیاسی-اجتماعی آن دوران باشد.<sup>۳۳</sup>

مطالعه درونمایه‌های مطرح شده می‌تواند با توجه به کتاب باثورت، نوشتارهای دکتر شفیعی کدکنی و کلباسی امکان‌پذیر است (باثورت ۱۳۵۶، شفیعی کدکنی ۱۳۷۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷، کلباسی ۴).

۴-۵- چنین مطالعه‌ای می‌تواند نقش کلیت‌زدایی از کلان‌روایت‌های موجود نیز داشته باشد. به این معنی که در کنار پژوهش‌های کلی و جامع درباره داستان سخت‌کشی حسنک قرار گرفته و پرتویی بر جنبه‌هایی دیگر این مورد پژوهشی بیندازد.

۵-۵- همچنین این نوع پژوهش در گستره اندیشگی تاریخ‌باوری نیز قرار می‌گیرد و فلسفه تاریخ‌باوری بر آن صحنه می‌گذارد. چراکه مطالعه کرامیه و پیشینه خاندان میکالی به این دلیل که گفتمان و بافتار آن عصر را برمی‌نمایاند جزئی از خود تاریخ‌باوری است. برای نمونه، پژوهش‌های دکتر شفیعی کدکنی درباره کرامیان بر اساس مطالعه آثار هم‌عصر تاریخ‌بی‌هقی نظیر اسرار التوحید و ترجمه تاریخ یمینی صورت گرفته است.

## ۶- نتیجه

با توجه به آنچه در این مقاله مطرح شد روش پژوهش موردی با روش‌ها و مکانب ذکر شده در بخش «جستجو و تبیین پارادایم مشترک» هم‌پوشانی‌هایی دارد که این روش را تبدیل به رویکردی میان‌رشته‌ای می‌کند. معرفی این روش به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای با توجه به بررسی‌های انجام شده در این مقاله به این معنی نیست که مجموعه‌ای از عقاید و افکار نامرتب در مرزهای موضوعی انتخاب شده باشند. بر عکس، این رویکرد بر اساس پارادایم مشترک تعریف شده در میان چند رشته معرفی گردید. در واقع، پژوهش موردی به عنوان یک روش پژوهش میان‌رشته‌ای معرفی می‌گردد که می‌تواند در علم تاریخ کاربردی مناسب داشته باشد. از این روی نتایج، پیشنهادها و دشواری‌هایی را که بر سر راه پژوهش موردی در علم تاریخ قرار دارد و در مقاله حاضر مطرح شده به ترتیب زیر خلاصه می‌شوند.

۱-۶- پژوهش تاریخی بایستی تاریخ‌گفت‌هایی را که در طول تاریخ به محقق رفته‌اند به عنوان یک مورد پژوهشی برجسته کند و از طبیعت ذاتی بعضی از آنها که به کلیت‌زدایی از تاریخ می‌پردازند کمک گرفته به تفسیرهای نو دست یابد. پژوهش موردی در تاریخ نمی‌تواند صرفاً به نقل از کلان‌روایت‌های تاریخی‌ای بسنده کند که در نهایت از یکدیگر هم متأثر شده‌اند. بلکه باید بافتار فرهنگی، ادبی و کلاً آفرینه‌های

<sup>۳۳</sup> چندی پیش از اینجانب مقاله‌ای با عنوان «خوانش گفتمان‌های سیاسی حکمرانی در عصر غزنوی با کاربست مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» (خرداد ۳۹، برگزارکننده گروه تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام) قرائت گردید که البته در بخش دوم رویه‌های گفتمانی دوران حسنک وزیر را با توجه به همین بافتار برنموده‌های اجتماعی بررسی کلی می‌کند.

زیست‌جهان آن عصر را مورد قیاس قرار دهد و در فرضیه‌پردازی که یکی از پیامدهای روش پژوهش موردی است به کار بندد. به این ترتیب، اگر یک مورد تاریخی مانند یک لوح، کتیبه، نوشته، ... با سامانه دانایی آن عصر همخوانی ندارد به پرسش‌آفرینی منجر شده و پژوهشگر بایستی این مورد پژوهشی را با بافت تاریخی آن مقایسه کند و نظریه خود را ارائه نماید.

۵-۱- این روش پژوهشی همان بررسی یک پدیده در چارچوب نظری «تاریخ از پایین به بالا» است. روشی که متضمن روش تفسیر انبوه‌گیرتر هم می‌باشد و در واقع با نشانه‌شناسی اجتماعی یک مورد پژوهشی آن هم در عصری که هم اکنون در آن به سر نمی‌بریم همراه است. دشواری روش پژوهشی در علم تاریخ نیز همین است. پدیده‌ای تاریخی در دستان ما هست، اما شناخت بافت تاریخی آن دشوار است. چراکه آن بافت در اجتماعی دور در گذشته معنی می‌شده و حالا تنها با شواهد تاریخی باید راه بییماییم. ۵-۲- با این حال، اگر اگر تحقیق تاریخی با روش پژوهش موردی دارای دشواری ذکر شده است، این نوید را نیز می‌دهد که می‌توانیم با نگاه به پارادایم مشترک ذکر شده در مکاتب بالا آن را دارای وثوق نسبی بدانیم.

۵-۳- در واقع، روش پژوهش موردی (به عنوان یک روش تحلیل جامعه‌شناختی) و روش‌ها و مکاتب مطرح شده در بالا به عنوان رویکردهای تحلیل در تاریخ هستند، که همگی دارای پارادایمی مشترکند. این یک واقعیت است که «یک روش پژوهش صرفاً جامعه‌شناختی، تاریخ را توضیح نمی‌دهد و یک روش صرفاً تاریخی نیز این خطر را دارد که از فرآیندها و عوامل معنادار حائز اهمیت چشم‌پوشد، چراکه این عوامل در سلسله مراتب حوادث تاریخی گم می‌شوند»<sup>۳۴</sup>.  
چاره مشخص است: در نظر گرفتن همپوشانی این دو و رسیدن به شیوه‌ای میان‌رشته‌ای.



## مراجع:

فارسی:

احمدی، بابک (۱۳۸۶) رساله‌ی تاریخ. تهران: نشر مرکز.  
ادگار، اندرو؛ سجویک، پیتر (۱۳۸۷)، مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی، مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.

استنفورد، مایکل (۱۳۸۷) درآمدی بر فلسفه‌ی تاریخ، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.  
باثورت، ادموند کلیفورد (۱۳۵۶) تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.  
رولاند، اس. «میان‌رشتگی» (۱۳۸۷) مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تدوین محسن علوی‌پور و همکاران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۳-۴۰  
شفیعی کدکنی، محمد رضا (پاییز ۷۳- بهار ۸۴) «روابط شیخ جام با کرامیان عصر خویش»، زبان و ادبیات فارسی، ش ۶ و ۷ و ۸.

----- (۱۳۸۵) «سخنان نویافته‌ی دیگر از حمد بن کرام»، مطالعات عرفانی، ش ۳.  
----- (۱۳۸۶-۷) «یک متن کرامی کم‌رنگ شده»، نامه بهارستان، دفتر ۱۴-۱۳.  
کلباسی اشتری، حسین (?) «نگاهی به احوال و اقوال فرقه کرامیه»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۳ و ۴.  
هاچنون، پت دافی (۱۳۸۷) «رویکرد میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های علوم اجتماعی»، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تدوین م. علوی‌پور و همکاران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۴۱۳-۳۹۳

English:

Ankersmit, F. R. (October 1995) "Historicism: An Attempt at Synthesis" in History and Theory, Vol. 34, No. 3, pp. 143-161.

----- (1983) Narrative logic: A Semantic Analysis of the Historian's Language, Boston: Martinus Nijhoff Pub.

Ashcroft, Bill (2001) Post-Colonial Transformation. London and New York: Routledge.

Barker, Chris and Dariutz Galasinski (2001) Cultural Studies and Discourse Analysis, A Dialogue on Language and Identity. London: Sage publications.



Brannigan, John (1998) *Newhistoricism and Cultural Materialism*. Hong Kong: Transitions.

Braudel, Fernand (1980) *On History*, trans. Sarah Matthews, Chicago, Ill: University of Chicago Press.

Castro-Rea, Julián (2010) 'Hypothesis' *Encyclopedia of Case Study Research*. Ed. Albert J Mills and Gabrielle Durepos, Vol. 1. London: Sage publications, 2 vols.445-447.

Dawson, Jane (2010) 'Thick Description' *Encyclopedia of Case Study Research*. Ed. Albert J Mills and Gabrielle Durepos. Vol. 2. London: Sage publications, 2 vols. 942-944.

Deiser, Frederick (1998) *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Version 1.5, London and New York: Routledge.

Eagleton, Terry (1996) *The Illusions of Postmodernism* Oxford: Blackwell Publishers Ltd,

Geertz, Clifford (1973) *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books Inc.

Gerring, John (2007) *Case Study Research, Principles and Practices*. Cambridge: Cambridge University Press.

Hucheeon, Linda (1989) *The Politics of Postmodernism*. New York: Routledge.

Lattuca, Lisa R. (2001) *Creating Interdisciplinary: interdisciplinary Research and Teaching Among College and University Faculty*, Nashville: Vanderbilt University Press.

McCullagh, C. Behan (2004) *The Logic of History, Putting postmodernism in perspective*. London: Routledge.

Moran, Joe (2002) *Interdisciplinary*, London: Routledge

Simons, Helen (2014) "Case Study Research: In-Depth Understanding in Context." *The Oxford Handbook of Qualitative Research*. Ed. Patricia Leavy. Oxford: Oxford University Press, pp. 445-470.

Thornhill, Christopher, "Historicism". *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Version 1.5, London and New York: Routledge (1998).

Wieviorka, Michel (1992) 'Case studies: history or sociology?' in *What is a case? Exploring the foundations of social inquiry*, Eds. C. Ragin and S. Becker, Cambridge: Cambridge University Press.

Wolff, Stephan (2004) "Clifford Geertz." *A Companion to Qualitative Research*. Eds. Uwe Flick and Ernst von Kardorff. London: Sage publications, pp. 47-52.

Yin, Robert K. *Case Study Research, Design and Methods*. 3rd . Thousand Oaks: Sage publications , 2003.